سراج

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۶۸۱
۲۸ فروردین ماه ۱۴۰۴// با ما همراه شوید
www.serajonline.com - @serajname

حدیث روز

پیامبر اکرم (ص) :
لَو یَعلَمُ العِبادُ ما فی رَمَضانَ لَتَمَنَّت أن یَکونَ رَمَضانُ سَنَةً .
اگر بندگان می دانستند که در رمضان چه [برکاتی] هست، آرزو می کردند که رمضان، یک سال باشد .

«برن»؛ بهانه یا مانع؟

برخی از فعالان صنعت نشر، عدم توفیق ایران در صادرات کتاب را نتیجه نپیوستن ایران به کنوانسیون برن می‌دانند؛ در حالی که عده‌ای دیگر آن را بهانه‌ای برای ترک‌فعل‌ها می‌دانند. جاده فرهنگ در ایران بیش از آنکه دوسویه باشد، مسیری است برای آمدوشد کتاب‌های خارجی. روند ترجمه کتاب طی یک دهه گذشته شتاب چشمگیری داشته است؛ به‌طوری که آن را از ساحت فرهنگ تاحدودی خارج و به ساحت تجارت نزدیک کرده است، آش در برخی از حوزه‌ها آن‌چنان شور است که صدای همه را درآورده است.

حوزه ادبیات کودک و نوجوان نیز از جمله این‌هاست؛ ساحتی که ایران در آن دست توانایی دارد و وجود نویسندگان، شاعران و تصویرگران چیره‌دست طی چند دهه، توانسته است قوام خوبی به آثار این حوزه بدهد؛ با این حال بازار این حوزه طی یک دهه گذشته به‌لحاظ تولید، عرضه و توزیع عمدتاً تکیه بر کتاب‌های ترجمه‌ای داشته است.

بررسی‌های آماری از نشر و بررسی‌های میدانی از میزان خرید این کتاب‌ها، نشان می‌دهد که ذائقه مخاطب کودک و نوجوان ایران تغییر کرده است و میل به خرید این دست از آثار در این گروه مخاطبان افزایش یافته است، این در حالی است که ادبیات کودک و نوجوان ایران را می‌توان امید اول کشور برای حضور در صادرات کتاب معرفی کرد. فلوشیپ تهران با همین نگاه و به‌منظور رفع موانع موجود برای صادرات کتاب کودک و نوجوان ایران قرار است اردیبهشت‌ماه برگزار شود و آغازگر راهی باشد برای حضور کتاب ایرانی در بازار جهانی.

علیرضا سبحانی‌نسب، مدیر انتشارات بین‌المللی جمال، در گفت‌وگو با تسنیم علت عدم حضور آثار این حوزه در بازار جهانی را این‌طور توضیح داد: اساساً کار در فضای بین‌الملل نیازمند سواد و دانش فعالیت بین‌المللی است. وقتی کاری تولید می‌کنید، یا محلی فکر می‌کنید و یا بین‌المللی؛ آثاری که با رویکرد بین‌الملل نوشته و منتشر می‌شوند، قابلیت خوبی برای ترجمه دارند و به‌محض اینکه ترجمه می‌شوند، مورد اقبال هم قرار می‌گیرند.

موانع حضور کتاب ایرانی در بازار جهانی

او با بیان اینکه این فعالیت نیازمند دانش و سوادی است که طی زمان به دست می‌آید، یادآور شد: مثلاً ناشر باید چندین بازار یا نمایشگاه بین‌المللی را شرکت کرده باشد و آثار ارائه‌شده در نمایشگاه‌ها را ببیند، ذائقه آنها را بسنجد و بداند که در ویترین دیگر کشورها چه کتاب‌هایی گذاشته می‌شود. از سوی دیگر، ذائقه فرهنگی و فهم آنها را بداند تا بتواند اثری خلق کند که به درد کشور مقصد بخورد، رسیدن به این امر نیازمند سرمایه‌گذاری از سوی ناشر و دستگاه‌های مسئول است. ما هنوز در ایران مدرسه نشر و انتشار نداریم، کرسی‌های بزرگ سخن در زمینه نشر بین‌الملل و توجه به صدور فرهنگ نداریم تا ناشران ما در یک بستر آکادمیک رشد کنند و سواد خودشان را در عرصه بین‌الملل بالا ببرند.

مدیر نشر جمال که تاکنون تجربه حضور در نمایشگاه‌های متعدد بین‌المللی را دارد، محدودیت‌های ناشران را از جمله موانع رسیدن کتاب ایرانی به بازار جهانی دانست و افزود: خیلی از ناشران با توجه به هزینه‌های زیاد نمایشگاه‌های بین‌المللی، علی‌رغم میلشان نمی‌توانند در این نمایشگاه‌ها شرکت کنند و ثمره‌ای از تجربه به دست آورند، به‌عنوان نمونه برخی از ناشران با وجود همین هزینه‌ها، بلیط خریداری می‌کنند و مقدمات امر را انجام می‌دهند اما به‌یکباره به‌بهانه‌های مختلف به آنها اعلام می‌شود که امکان حضور ندارند.

دریغ‌های نشر ایران

او با تأکید بر اینکه یک فکر و همت بین‌المللی در سطح مدیران دولتی نیست تا نشر ایران را از جایی که هست، یک گام به جلو سوق دهد، اضافه کرد: برای رسیدن به نقطه مطلوب ما نیازمند عزمی در بدنه اجرایی مسئولان بودیم تا ناشران را در ریل درست قرار دهند که پس از یک دهه، شاهد فعالیت ناشرانی باشیم که عزم و دانش بین‌المللی داشته باشند، از سوی دیگر، رفت‌وآمدهای پیاپی مسئولان نیز کار را سخت‌تر کرد.

برن؛ «بهانه» یا مانع؟

برخی از فعالان صنعت نشر، عدم توفیق ایران در صادرات کتاب را نتیجه نپیوستن ایران به کنوانسیون برن می‌دانند، با این حال، سبحانی‌نسب معتقد است این موضوع نمی‌تواند چندان تأثیرگذار باشد و مطرح کردن آن، فقط در حد یک «بهانه» است: من هم این مسائل را شنیده‌ام، اما در فضای بین‌الملل باوری هست که اگر این قانون از طرف دولتمردان پذیرفته نشده، یک امر سیاسی است که دولت به هر دلیلی نمی‌خواهد بپذیرد.

به‌گفته او؛ ناشران خارج از این بستر، به تعهدات اخلاقی و مالی پایبند می‌مانند و کارشان را انجام می‌دهند. البته باید ذکر کرد که این مسئله گاهی بهانه کم‌لطفی و پایان دادن به گفت‌وگو از سوی ناشر خارجی هم هست اما مانع جدی در بحث صادرات کتاب نیست. الآن کشورهای متعددی هستند که به برن نپیوسته‌اند اما ناشران آنها راهکار گفت‌وگو با دنیا را پیدا کرده‌اند، دارند رایت می‌فروشند و می‌خرند و به قانون جهانی حقوق انسان‌ها احترام می‌گزارند؛ حتی اگر کشورشان زیر این پرچم نباشد.

مدیر انتشارات بین‌المللی جمال با تأکید بر اینکه «احساس نمی‌کنم اگر ما به برن پیوسته بودیم، الآن جایگاه بهتری داشتیم.» گفت: کم‌همتی ما در این زمینه زیاد بوده است. چطور خیلی از بخش‌های اقتصای توانسته‌اند با وجود قاعده تحریم، آن را دور بزنند و مسیر را پیدا کنند؟ چرا نشر ما با وجود یک مانع کوچک به نام برن هنوز نتوانسته گام های بلندی در فروش و خرید رایت داشته باشد؟ احساس می کنم برن بهانه‌ای برای اهمال‌کاری و ترک فعل‌های برخی از مسئولان است.

مشتری‌های پر و پا قرص ادبیات ایران

سبحانی‌نسب در ادامه به ظرفیت‌های نشر کودک و نوجوان ایران در منطقه اشاره کرد و با توجه به روند صادرات کتاب ایران گفت: صادرات کتاب ایران دو جنبه دارد؛ نخست کتاب‌های انگلیسی است که در برهه‌ای توسط ناشران ایرانی افست و در منطقه توزیع می‌شد. این کار بیش از آنکه جنبه فرهنگی داشته باشد، جنبه اقتصادی داشت و نماینده‌ای از فرهنگ و ادبیات ما نبود. این جریان در سال‌های اخیر از دست ناشران ایرانی خارج و ناشران ترکیه‌ای عهده‌دار آن شده‌اند.

ترکیه گوی سبقت را ربود

به گفته این فعال حوزه نشر؛ وجه دیگر صادرات کتاب ایران مربوط به ادبیات بومی ماست که در حال حاضر در منطقه مشتری‌های خاص خود را دارد. به عنوان نمونه می‌توان از لبنان به عنوان یکی از این مقاصد یاد کرد. اخیراً هر کتابی که در ایران با موضوع ادبیات دینی، مسائل مربوط به انقلاب، ادبیات مقاومت و ... منتشر می‌شود، با تلاش لبنانی‌ها در این کشور ترجمه و توزیع می‌شود.

به گفته سبحانی نسب؛ هرچند برخی از نویسندگان ایرانی نسبت به عدم حفظ مالکیت آثارشان گلایه دارند، اما باید به خاطر همت لبنانی‌ها به آنها آفرین گفت. آثار آیت‌الله مصباح یزدی از اقبال خوبی برخوردار است. آنها را می‌خوانند و راجع به آن گفت‌وگو می‌کنند. کتاب‌های مربوط به ادبیات مقاومت هم از اقبال خوبی برخوردار است. می‌توان گفت حدود ۸۰ درصد از جوانان شیعی لبنان کتاب «سلام بر ابراهیم» را خوانده‌اند و به آن علاقه دارند.

سختی‌ها زیاد است، اما فقط در ایران می‌توانم نفس بکشم

فرزانه کابلی با بیان اینکه حرکات موزون محلی دسته‌جمعی نشانگر اتحاد و یکی بودن مردم کشور است، بر عشق و علاقه‌اش برای ماندن در ایران سخن می‌گوید و تاکید می‌کند که در این خاک ریشه دارد و تنها در این سرزمین می‌تواند نفس بکشد.

پیش از این بخش اول گفتگوی ایسنا با فرزانه کابلی منتشر شد که در آن گفتگو از تجربیاتش در بازیگری و حضور دوباره‌اش در زمینه حرکت صحبت کردیم. بخش دوم این گفتگو درباره تلاش او برای گردآوری آیین‌ها و لباس‌های محلی هر استان و سفرهایش به خطه‌های مختلف است و بیشتر بر عشق و علاقه او به ایران و میهن دوستی‌اش تمرکز دارد.

سفر به ناشناخته‌ها

اجرای حرکات موزون هر استان توسط گروه کابلی، تنها به شناسایی رقص‌های محلی آن محدود نمی‌شود بلکه کابلی با سفر به آن خطه، بر لباس‌ها و دیگر آداب و رسوم آن منطقه نیز پژوهش می‌کند.

او خود در این باره توضیح می‌دهد: دنبال جاهای شناخته نشده می‌گردم. همیشه با دستیارم به صورت زمینی و با ماشین شخصی به شهرهای گوناگون می‌رویم. گاهی از قبل با کسانی که می‌توانند کمک‌مان کنند، هماهنگ می‌کنم. مثلا برای حرکات موزون کرمانجی در خراسان شمالی از تهران با یکی از نوازندگان محلی هماهنگ کردم. قبل از رسیدن من، تمام افراد مسن این رشته را جمع کرده بودند. این رقص را خانم‌ها انجام نمی‌دهند اما هدفم این بود که رقص‌های کرمانجی آقایان را با دختران و با لباس مردانه روی صحنه ببرم.

معرفی هر استان در خلال اجرای حرکات موزون

کابلی با قدردانی از مردم این خطه می‌افزاید: همراهی آنان برایم خیلی مهم بود. می‌گفتند ما تلاش‌های شما را می‌بینیم که به این وسیله، شهرهای مختلف کشور را روی صحنه معرفی می‌کنید. با حرکات موزون این خطه آشنایی داشتم و متوجه شدم برخی از کارهایی که در اجرای آن انجام می‌دهند، متعلق به آن نیست که گفتند برای جلب توجه تماشاگر این کار را می‌کنیم در حالیکه حفظ اصالت رقص‌های محلی، بسیار مهم است.

او با اشاره به دیگر تجربه خود از دیگر سفری که داشته، یادآوری می‌کند: سال گذشته به سنگسر رفتم در سمنان. شنیده بودم حرکات موزون متفاوتی دارند که بسیار کم‌حرکت بود ولی لباس‌های بسیار زیبا و فاخری داشتند. این منطقه کارهای دستی بسیار ارزشمندی دارد. لباس‌هایشان هم شال‌هایی داشت که تماما کار دست و سوزن‌دوزی بود. قیمت یک شال این لباس‌ها حتی به بیش از ۷۰ میلیون می‌رسد. خانم‌ها این شال‌ها را بر سر می‌گذارند. وقتی به سنگسر رفتم، آنچنان خوشحال بودند و می‌گفتند اصلا کسی منطقه ما و فرهنگ آن را نمی‌شناسد. شهر کوچکی هم بود با مردمی پر از عشق، محبت و زیبایی. از بچه‌های کوچک تا خانم‌های مسن با همان لباس‌های زیبا این رقص‌ها را به من نشان دادند ولی متاسفانه در خیابان هیچ خانمی را با لباس محلی نمی‌بینید. جالب است که وقتی اینها را روی صحنه برای تماشاگران معرفی می‌کردم، اغلب با این منطقه و فرهنگ آن آشنایی نداشتند.

همه دنبال کریستین دیور هستند، کسی روسری قلاب بافی سرش نمی‌کند!

او با تاکید بر ضرورت حفظ و نگهداری لباس‌های محلی هر استان می‌گوید: برای یکی از اجراها، دنبال روسری‌های منطقه گیلان و مازندران بودم و می‌خواستم به شکل اصیلی باشد یعنی قلاب‌دوزی ولی هر کجا که می‌رفتم و پرس و جو می‌کردم، می‌گفتند الان دیگر همه دنبال برند هستند و مارک کریستین دیور و ... دیگر کسی قلاب‌بافی سرش نمی‌کند. لباس‌ها را داشتم ولی دنبال روسری‌های اصیل بودم و در نهایت، پارچه‌ای انتخاب کردم که با کمک ریشه‌های رنگی، آن را دوختیم. ولی باز هم رها نکردم چون در این امور خیلی سختم تا اینکه در رشت خانمی را دیدم که دکه‌ای داشت و در آن مجسمه‌هایی با لباس‌های محلی گیلان و مازندران گذاشته بود. کلی ذوق کردم چون روسری‌های قلاب‌بافی را یافتم. همان جا سفارش دادم که ۲۰ روسری و چندین پیرهن و جلیقه برایم بدوزند و بچه‌ها با همین لباس‌ها روی صحنه رفتند. دو زن تنها در جاده‌ای پر از برف؛ این هم از دیوانگی‌های من است

او در توضیح تجربه دیگر خود چنین می‌گوید: تا به حال ۴ نوع رقص کردی با بچه‌ها کار کرده‌ام. برای آماده‌سازی یکی از اجراها به سنندج رفتیم. دنبال روسری‌هایی بودم که بسیار زیبا بودند. در مریوان آنها را پیدا کردم ولی گفتند نمونه‌های زیباترش را در اورامان می‌توانم پیدا کنم. از سنندج تا اورامان دو ساعتی راه بود. فصل سرما رفته بودیم و همه جا پوشیده از برف بود ولی گفتم می‌روم. این هم یکی از دیوانگی‌های من است. نزدیکی اورمان، دو زن تنها در جاده‌ای بودیم پر از برف و تعداد زیادی وانت هم ایستاده بود. واقعا وحشت کردم و فکر کردم دختر مردم را با خودم آورده‌ام . اما دوست داشتم اورامان را ببینیم. بعد از مدتی به دستیارم گفتم بایستیم. همین که ایستادیم، کم‌کم آقایانی که در دو طرف جاده بودند، به سمت‌مان آمدند. اول کمی نگران شدم اما آنها با مهربانی از ما پرسیدند چیزی لازم داریم، که گفتیم ما داریم می‌رویم اورامان. گفتند در این جاده این موقع سال کسی اورامان نمی‌رود بخصوص دو خانم. ما اما رفتیم و با کمال شگفتی دیدم روسری‌های اورامان، عین همان‌هایی است که در مریوان دیده بودیم! البته خوشحال شدیم که اورامان را هم دیدیم.

افزایش یارانه خرید از نمایشگاه کتاب تهران

سرپرست معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از افزایش یارانه خرید از نمایشگاه کتاب تهران خبر داد و گفت: درباره حمایت از کتابفروشان نیز پیشنهادات مشخصی را داریم که ظرف چند روز آینده اعلام می‌کنیم.

محسن جوادی، سرپرست معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در حاشیه نشست خبری اعلام نامزدهای نهایی کسب عنوان نهمین «پایتخت کتاب ایران» درباره برنامه حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از گروه‌های هدف برای خرید ازسی‌وششمین دوره نمایشگاه کتاب تهران بیان کرد: مبلغ یارانه هنوز نهایی نشده اما حداقل ۲۵ درصد از سال گذشته بیشتر است. به‌زودی مبلغ نهایی اعلام خواهد شد. رقم دقیق را نمی‌توانم اعلام کنم زیرا هنوز قطعی نشده اما بیشتر خواهد بود.

او همچنین درباره رویکرد حمایت از کتابفروشان گفت: برای حمایت از کتابفروشان برنامه داریم به‌ویژه اینکه کتابفروشان، حلقه اصلی تعامل مشتری با کتاب هستند، هدف اصلی تقویت کتابفروشی‌هاست. اقداماتی را برای تقویت نشر انجام می‌دهیم اما درباره حمایت از کتابفروشان نیز پیشنهادات مشخصی داریم که ظرف چند روز آینده، اعلام می‌کنیم؛ از جمله طرح‌های فصلی.

جوادی درباره توزیع کاغذ وارداتی نیز گفت: مجوزش از دادستانی گرفته شده اما هنوز کاغذ به دست ما نرسیده است.

او درباره زمان توزیع کاغذها اظهار کرد: باید مراحل اداری توزیع کاغذ انجام و قیمت‌گذاری انجام شود. فکر نمی‌کنم به نمایشگاه برسد اما سعی‌مان را می‌کنیم شاید هم به توزیعش قبل از نمایشگاه بتوانیم برسیم.

سرپرست معاونت فرهنگی وزارت ارشاد درباره رویکرد وزارت‌خانه به تولید کاغذ داخلی نیز گفت: برنامه‌ای را آقای دکتر صالحی (وزیر ارشاد) دارند دنبال می‌کنند و تا جایی که بتوانیم حمایت می‌کنیم. در مورد ارتقای کیفیت کاغذ هم داریم ولی اصل و اولویت زیادی را برای کاغذ داخلی داریم اما برنامه‌ای که به مشکل برنخوریم و بتوانیم ادامه دهیم.

محدودیت‌هایی هم وجود دارد و بر اساس محدودیت‌ها، رویکرد تأمین کاغذ به شکل‌های دیگر هم دارند تلاش می‌کنند ولی خب،

تحلیلی بر زندگی در خانواده های متزلزل

دکتر مجتبی خندان
(پژوهشگر عرصه خانواده)

بخش سوم

این شادمانی و سرور زمانی حاصل می شود که زن و شوهر به یکدیگر توجه داشته باشند و مسائل خود را در فضای مشترک زندگی تعریف کنند و در غم و شادی یکدیگر شریک باشند. مصونیت و محافظت زن و شوهر از همسر، زمانی حاصل می شود که آنها از هم بیگانه نباشند و به فکر همدیگر باشند. در این صورت، تزلزل از خانواده رخت برمی بندد.

اگر زن و شوهر فقط به زیبایی ظاهری یکدیگر فکر کنند، طبیعی است که به شاخص پایداری رو نیاورده اند و قطعاً این پدیده، به تزلزل زندگی و بیگانگی آنها از یکدیگر منتهی خواهد شد. حضرت علی (ع) می فرمایند: من تزوج امرأه لجمالها جعل الله جمالها وبالاً علیه؛(۷) «هر کس به خاطر زیبایی زنی با او ازدواج کند، خداوند زیبایی اش را وبال او قرار خواهد داد». همچنین امام صادق (ع) می فرمایند: « إذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ المَرأةَ لِجَمالِهَا أو مَالِهَا وُکِلَ إلَی ذَلِکَ وَ إذَا تَزَوَّجَهَا لِدِینِهَا رَزَقَهُ الله الجَمَالَ وَ المَالَ؛ (۸) « هرگاه کسی با زنی به سبب زیبایی اش ازدواج کند، خداوند، او را به همین زیبایی واگذارد و هرگاه کسی با زنی برای دینش ازدواج کند، خداوند به او مال و زیبایی، روزی دهد.

توجه به شاخص های کم اهمیت برای انتخاب شریک زندگی، افراد را از توجه به شاخص های اصلی باز می دارد، در حالی که شاخص های اصلی، سبب پایداری در زندگی، احساس مسئولیت و دوری از بیگانگی زن و شوهر با یکدیگر است.

۴. افت مذهب و اعتقادات مذهبی

در جوامع غربی، اهمیت و تأثیر کلیساها و نهادهای مذهبی کاهش یافته است. ازدواج از دیدگاه سنتی، نهادی مقدس، و پیوندهای زناشویی آن چنان قدسی بود که مردم پیمان ازدواج را به منزله ی کاری شرعی و دینی انجام می دادند و بیشتر ازدواج ها در کلیسا صورت می گرفت، در حالی که طبق آمارهای موجود، امروزه درصد ازدواج هایی که حاوی خواندن صیغه ی عقد باشد، بسیار سیر نزولی دارد و در کشورهای اروپایی، اکثر ازدواج ها صیغه ی عقد ندارد.(۹)

کاهش عقاید دینی، به این معناست که آنها، پیمان های ازدواجشان را آسمانی نمی بینند و دیدگاه منفی دین درباره ی طلاق را مهم نمی شمارند.

یک سوم انگلیسی ها ادعا کرده اند که هیچ دینی ندارند. مخالفت کلیساها با طلاق، سقط جنین، آمیزش جنسی خارج از ازدواج و هم جنس بازی، تأثیر اندکی بر رفتار مردم داشته است. تعداد رو به افزایش طلاق، خانواده های تک والدی، بچه های نامشروع، زندگی دو نفر بدون ازدواج، داشتن رابطه ی جنسی با چند نفر، رشد پذیرش هم جنس گرایی، رواج استفاده از روش های جلوگیری از حاملگی، علی رغم ممنوعیت آن در تعلیمات کاتولیکی، رشد استفاده از موارد مستهجن و سکس و خشونت فراوان را می توان مدرک کاهش اصول اخلاقی و عقاید دینی در کشورهای غربی به شمار آورد.(۱۰)

انحصار کارکرد ارضای جنسی به نهاد خانواده، همواره از پشتوانه های اصلی ثبات و استحکام این نهاد بوده است. از مهم ترین انگیزه های ازدواج، نیاز جنسی انسان های بالغ به جنس مخالف است. اگر جامعه ای به فرد اجازه دهد که بدون ازدواج و پذیرش مسئولیت های متعاقب آن، بتواند با دیگری رابطه ی جنسی برقرار کند، طبیعی است که دیگر دستیابی به شریک جنسی، نمی تواند انگیزه ی مهمی در ازدواج باشد. (۱۱) با شکسته شدن این انحصار و نادیده گرفتن دستورهای دینی در این زمینه، به طور طبیعی، باید در انتظار کاهش تعهد افراد در برابر حفظ خانواده و سپس افزایش میزان طلاق باشیم.

از سوی دیگر، در گذشته، نگرش عمومی جامعه درباره ی فعالیت جنسی به صورت عام، در جهت تولید مثل بود. این نگرش، اکنون در جوامعی که تعهدات دینی در آن کم رنگ شده، به نگرشی جدید که نوعی بازآفرینی است و به افزایش بی بند و باری منجر می شود، تغییر یافته است. این پدیده میزان طلاق را افزایش می دهد؛ زیرا آزادی ارتباط جنسی بیرون از زندگی زناشویی، به شیوه های گوناگون، جاذبه ی هر یک از زن و شوهر برای یکدیگر را تقلیل می دهد و احتمال طلاق را که با هم بستگی جنسی طرفین نسبت معکوس دارد، افزایش می دهد.(۱۲)

۵. مدرنیته

آنان که پس از رنسانس و رفورماسیون مذهبی، عصر روشنگری، انقلاب های دموکراتیک و نهایتاً انقلاب صنعتی به مدرنیته دست یافتند، اکنون در زمره ی کشورهای توسعه یافته و قطب های صنعتی جهان به شمار می آیند.(۱۳) واژه ی «مدرن» به معنای «به تازگی، اخیراً و گذشته ای بسیار نزدیک»، در قرن های پنجم و ششم به کار رفته است و به لحاظ نظری دارای این ویژگی هاست:

- اومانیسم (انسان خدایی)؛
- تأکید و تکیه بر عقل جزئیِ نفسانیت مدار و استیلاجو؛
- اصلالت علم جدید؛
- جدا کردن اخلاق از تار و پود عالم؛
- فناوری جدید و نظام تکنوکراسی؛
- سکولاریزم و سکولاریزه کردن امور؛
- بوروکراسی پیچیده؛
- نیهیلیسم؛
- اعتقاد به شأن قانون گذاری برای عقل جزئی بشر و حاکمیت آن؛
- سرمایه سالاری.(۱۴)

در عصر حاضر، خانواده با دو رویکرد مخاطره آمیز و متفاوت رو به روست که در هر دو، نوعی خودخواهی باعث شده است که مصلحت خانواده و فرانگری فدا شود و کانون انس و الفت و محبت، به سقوط نزدیک شود. این دو رویکرد عبارت اند از:

- تمدن و مدرنیته؛ رویکرد جدید که خانواده را می بلعد و با نگرش برون دینی، مبتنی بر فرهنگ اومانیستی و ایدئالیستی، بشر را تهدید می کند؛

- رویکردی برخاسته از سنت های غلط و آمیخته با خرافه، جهل و تعصب که خانواده ها برای خلاصی از آنها باید راه سومی را برگزینند.(۱۵)

مدرنیته، آثار مخرب فراوانی بر پایداری زندگی مشترک گذاشته و باعث از هم پاشی زناشویی شده است. ویل دورانت می گوید: آنچه اکنون رخ می دهد، ازدواج نیست، بلکه نوعی همکاری جنسی است که رو به زوال است، چون ریشه ندارد. در این نوع ازدواج ها، زن و مرد در خود فرو رفته و قطعات منفرد و جداگانه ای هستند. اینجا، از خودگذشتگی و عشق به خودپرستی و خودبینی تبدیل شده است. طلاق بیشتر خواهد شد و شهرها از زناشویی های از هم پاشیده و متروک، پر خواهد گشت. رسم ازدواج، کاملاً شکل تازه تر و سست تری به خود خواهد گرفت. (۱۶) این واقعیت در حالی است که در جوامع سنتی و گذشته ی غرب، آماری از طلاق نیست؛ چرا که طلاق در آن جوامع ممنوع بود و اگر به صورت غیر قانونی صورت می گرفت، قابل ثبت نبود. در مسیحیت کاتولیک، هیچ یک از زن و مرد، حق طلاق ندارند و تنها، زمانی که زن مرتکب زنا شده باشد، مرد می تواند او را طلاق دهد. (۱۷) غرب در سی سال گذشته، شاهد افزایش میزان طلاق و کاهش تقبیح آن بوده است. طی قرن های متعدد در غرب، ازدواج عملاً تجزیه ناپذیر تلقی می شد. طلاق در موارد محدودی مانند انجام نگرفتن زناشویی، مجاز شمرده می شد. یک یا دو کشور صنعتی هنوز طلاق را به رسمیت نمی شناسند. در ایرلند، در سال ۱۹۸۶ اکثر مردم، علیه اجازه طلاق به زن و شوهر رأی دادند. اما اکنون این موارد، منفرد و استثنایی هستند و اکثر کشورها به سرعت در جهت آسان تر کردن طلاق حرکت می کنند. (۱۸) در نتیجه ی تغییرات ارزشی و حقوقی دهه های اخیر، در بیشتر کشورهای غربی طلاق با رشد بی سابقه ای روبه رو شده است، به طوری که گاه این مسئله یکی از شاخص های انقلاب جنسی در غرب مطرح می شود.(۱۹)

در انگلستان که نمونه ای از کشورهای مدرن است، تک همسری در قانون رسمیت یافته است. اما با در نظر گرفتن فراوانی طلاق، برخی محققان اظهار کرده اند: الگوی ازدواج باید تک همسری پی در پی باشد تا افراد، مجاز باشند تعدادی همسر به طور پی در پی داشته باشند.(۲۰)

شمار بسیاری از مردم به شیوه ی هم خانگی (زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی) رو می آورند. این نوع زندگی که در سال ۱۹۷۹ میلادی، ۷/۲ درصد از زندگی ها را تشکیل می داد، در سال ۱۹۸۵ به پنج درصد رسید. بر اثر افزایش طلاق و شمار نوزادان نامشروع، بچه های بیشتری ناگزیرند که دست کم بخشی از دوران کودکی خود را در خانواده های تک سرپرست به سر برند. شمار این گونه خانواده ها از هشت درصد در سال ۱۹۷۲، به سیزده درصد در سال ۱۹۸۶ رسیده است. بسیاری از مردم این روند را شاهدی بر فروپاشی خانواده می دانند.(۲۱) این شیوه را با شیوه ی کسانی مقایسه کنید که فرزندان را گوهرهای نفیس زندگی می دانند که باید به آنها عشق ورزید.(۲۲)

از نتایج و توابع ذاتی مدرنیته، رواج نسبی گرایی اخلاقی و معرفتی، سطحی گرایی و ظاهربینی، شیوع ابتذال و انحطاط در روابط انسان ها با یکدیگر به ویژه در روابط زن و مرد، و کالایی شدن مناسبات است.

۶. افزایش سطح انتظارات و گسترش چشم و هم چشمی

پدیده ی مصرف زدگی، ایجاد نیازهای کاذب و رشد خصوصی سازی، فردیت را تقویت می کند. در چنین فضایی، همه می کوشند به فکر خودشان باشند. عموم مردم روز به روز نیازهای جدیدی حس می کنند و همگام با آن، انتظاراتشان اوج می گیرد. حالت چشم و هم چشمی قوت می گیرد و از خصایص فرهنگی جامعه، به ویژه نسل جوان می شود. این پدیده ازدواج را با چالش های جدی رو به رو می سازد و نگرانی های مربوط به آن افزایش می یابد. اگر در گذشته، جوان با کمترین امکانات و با رضایت خاطر ازدواج می کرد، امروز احساس می شود که امکانات فراوانی برای شروع زندگی لازم است. به همین دلیل، ازدواج ها به تأخیر می افتد. جوان بخشی از نیازمندی خود را که باید در محدوده ی زندگی زناشویی باشد، از فضای باز جامعه تأمین می کند، بدون اینکه مسئولیتی بپذیرد. از همین جا، فرد بی مسئولیت می شود و می خواهد فقط خواست خود را بر آورده سازد، در حالی که به دیگران بی توجه باشد. گاه جوان با امکانات اندک ازدواج می کند، اما از آنجا که انتظارات و توقعات به قوّت خود باقی است، ازدواج بر شالوده ی سستی بنا می شود و همیشه متزلزل است.

۷. افزایش تفاوت های فردی بر اساس گسترش پیچیدگی های اجتماعی

تفاوت زندگی شهری و روستایی به ما نشان می دهد که زندگی شهری پیچیدگی هایی ویژه دارد. فرهنگ های گوناگون مناطق باعث می شود که افراد جامعه ی شهری، تفاوت های فردی بیشتری داشته باشند. انتخاب همسر در جامعه ی روستایی با تنوع چندانی رو به رو نیست، در حالی که انتخاب در جامعه ی شهری به دلیل تنوع فراوان گزینه ها و ناآگاهی از شخصیت آنها، دشوار و مخاطره آمیز به نظر می رسد.